

مقام معظم رهبری و اقتصاد مقاومتی

راحیل جلیلیان^۱

چکیده

مقام معظم رهبری در چند سال اخیر بحث اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی را مطرح و از آن به عنوان روشی مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور یاد کردند؛ روشی که در برابر هجمه‌های غرب همانند سدی محکم کارآمد شد. اعمال تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی، همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول سی و چهار سال گذشته نیز همواره بر حجم این تحریم‌ها افزوده شده است. در مقابل اتخاذ چنین رویکردی، مقام معظم رهبری بحث اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی را مطرح و از آن به عنوان روشی مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور یاد کردند؛ با توجه به این موضوع و تأکیدات مقام رهبری بر دو مقوله اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی به خصوص در دیدارهای ایشان که با جمعی از محققان، پژوهشگران، متخصصان و همچنین دیدار با کارگزاران نظام داشتند در پژوهش پیشرو تلاش نموده‌ایم مروری بر سخنان ایشان بر بحث اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی بایدهای مطرح شده در بیانات مقام معظم رهبری به منظور عبور از پیچ توسعه و پشت سرگذاردن شرایط حاکم بر اقتصاد کشور داشته باشیم.

کلید واژه: اقتصاد مقاومتی، جمهوری اسلامی ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دانشجوی دکتری شیمی آلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

مقدمه

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و عدم توفیق آمریکا برای به انحراف کشاندن و مصادره انقلاب، لجاجت آشتی ناپذیری به دلیل از دست رفتن منافع خود از خویش نشان داده است و این لجاجت و دشمنی در سه دهه بگونه های مختلف ظهور و بروز کرده است. در طول چند سال اخیر برای بحران سازی در بحث برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران، تلاش بی وقفه‌ای برای استفاده از این ابزار غیر قانونی آغاز کرده و در طول چند ماه گذشته با اجرای تحریم خرید نفت ایران با مساعدت کشورهای اروپایی و همچنین تحریم بانک مرکزی از سوی آمریکا تلاش مذبحانه خود را به اوج رسانده است. در مقابل اتخاذ چنین رویکردی از سوی غرب، مقام معظم رهبری بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و آن را به عنوان یک روش مهم و استراتژیک در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور عنوان کردند. سخنان مقام معظم رهبری بر ضرورت طراحی مدل اقتصاد مقاومتی عملاً تأکیدی بر این نکته است که مسیر عبور تحریم‌ها از اقتصاد مقاومتی می‌گذرد، نکته‌ای که باید از سوی مسئولان اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد تا بتواند آخرین حربه‌های غرب برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبه‌رو کند. بر همین اساس این مقاله را به بررسی فرمایشات و رهنمودهای ایشان اختصاص داده‌ایم. این مقاله با هدف بررسی آراء و نظرات ایشان در رابطه با اقتصاد مقاومتی نگاشته شده است.

سؤال این پژوهش عبارت است از: «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری و هدف از طرح آن در نگاه ایشان چیست؟» و فرضیه پژوهش عبارت است از: «مواردی چون تفسیر معنای کارآفرینی؛ حرکت بر اساس برنامه؛ جلوگیری از اسراف؛ مدیریت مصرف؛ استفاده بیشتر از تولید داخلی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ مردمی کردن اقتصاد و شرکت‌های دانش بنیان را می‌توان از مؤلفه‌های این تئوری در بیانات ایشان دانست و به نظر می‌رسد هدف از طرح آن مقابله با تحریم‌های دشمنان است.»

تعریف اقتصاد مقاومتی

منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع

پیشرفت در مسیر حرکت به سمت جلو تعریف می‌شود. و با تفکر اقتصاد ریاضتی تفاوتی دارد گر چه برخی تفاوتی بین اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی قائل نیستند اما این دو اصطلاح کاملاً متفاوت بوده و ارتباطی به یکدیگر ندارند. ریاضت اقتصادی یک طرح یکطرفه است و از ناحیه دولت‌ها به مردم تحمیل می‌شود. هدف اصلی ریاضت اقتصادی کاهش هزینه‌ها است و رفع کسری بودجه‌ی دولت، و به همین دلیل دولت‌ها به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی نیز می‌انجامد.

اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده یک کشور ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر کار خوشایندی به نظر نمی‌رسد، اما، می‌تواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند. در صورتی که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند. بنابراین اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل از هم است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد. بنابراین می‌توان اقتصاد مقاومتی را اینگونه تعریف نمود که: اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و نامالیقات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند.

چرا اقتصاد مقاومتی

لیبرال دموکراسی غربی بدلیل مخالفت‌های ذاتی با جمهوری اسلامی در بازه زمانی بعد از انقلاب مخالفت‌های خود را به

انحای مختلف نشان داده است و در حقیقت حیات سیاسی خود را با اعتلای جمهوری اسلامی در تضاد می‌بیند و به همین دلیل، روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متنوعی را به منظور ناکارآمدی نظام اسلامی بکار برده است. درک صحیح از تهاجم و تخاصم اقتصادی باعث شده که در چند سال گذشته تأکیدات مقام معظم رهبری روی حوزه اقتصاد باشد که در نامگذاری سال‌ها این موضوع منعکس شده است، ایشان می‌فرمایند: «ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که اینها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آن‌ها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند. بنابراین شرایطی که امروزه در محیط اقتصادی شاهدیم ناشی از فشار تمام عیار و آشکار در اثرگذاری بر روی مقدرات اقتصادی توسط آمریکا و هم پیمانانش است. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر این فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کنیم.

از پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ تاکنون بیش از سی و چهار سال سپری شده و در این بین آمریکا تنها در حد فاصل پیروزی انقلاب تا ۱۳ آبان ۵۸ (تسخیر لانه جاسوسی) یعنی کمتر از یک سال ایران را تحریم نکرده و پس از آن به انحاء مختلف آمریکا تحریم علیه ایران را گسترش و ادامه داده است. با نگاهی مختصر به این واقعیت پی می‌بریم که دیگر ملت ایران حدود سه ده است که توسط آمریکا و برخی از همپیمانانش مورد تحریم و محاصره اقتصادی واقع شده است. در مجموع تقویم تحریم‌های آمریکا علیه ایران را می‌توان در شش دوره کلی تقسیم بندی کرد:

دوره اول دوره اشغال لانه جاسوسی (از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱)؛

دوره دوم دوران دفاع مقدس (از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸)؛

دوره سوم دوران سازندگی (از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲)؛

دوره چهارم دوره کلینتون و اعلام استراتژی مه‌ار دوجانبه (از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱)؛

دوره پنجم پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛

و دوره ششم آغاز قطعه‌نامه‌های شورای امنیت از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

اکنون در این برهه از زمان آمریکا با تقویت همین حربه در صدد افزایش فشار در حوزه اقتصاد ملی ایران است تا شاید با این روش از درون فشارهای مردمی را افزایش دهد. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی نظریه‌ای است که نخستین بار در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح گردید و پس از آن در سخنرانی‌های متعددی مورد تأکید ایشان قرار گرفته است که در ادامه به بررسی فرمایشات ایشان پرداخته خواهد شد.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم

رهبری

همانگونه که اشاره شد، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ها و بیانات متعددی به موضوع اقتصاد مقاومتی پرداختند که می‌توان با بررسی این بیانات، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه ایشان را استخراج کرد به طوری که در این میان چندین مؤلفه اصلی اقتصاد مقاومتی قابل شناسایی است.

۱. مقایسه شرایط بدر و خیبر و شعب ابی طالب در صدر اسلام رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم شرایط امروز کشورمان را این چنین توصیف کردند: «یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی طالب و محاصره اقتصادی مسلمان‌ها، آن‌ها را از پا بیاورند؛ اما نتوانستند. این روسپاهای بد محاسبه گر خیال می‌کنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم.» در شرایط شعب ابی‌طالب مشرکین یک محاصره اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همه جانبه را علیه مؤمنین طراحی و اجرا کردند و آن‌ها طبق این

برنامه، تمام ارتباطات مسلمین را قطع نمودند. مسلمانان تقریباً سه سال از دارایی‌های خودشان خوردند و امکان فعالیت اقتصادی نداشتند، در آن وضعیت سخت، یکی از منابع مالی ارزشمند برای مسلمانان، همان تجارت حضرت خدیجه (س) و اموال ایشان بود. مشرکین برای تکمیل محاصره‌شان تمام معاملات تجاری حضرت خدیجه (س) را قطع کردند تا هیچ کس به مسلمین جنس نفروشد. در نتیجه مسلمانان مجبور بودند که اجناس را به چهار یا پنج برابر قیمت بخرند. ضمن اینکه مشرکین نیز برای جلوگیری از دادوستد اجناس کاروان‌های تجاری با مسلمانان داخل شعب مجبور بودند اجناس را گران‌تر بخرند. وقتی اجناس را گران می‌خریدند، دیگر در مکه کسی خریدار این اجناس گران نبود. در نتیجه طی این سه سال تراز مالی بسیار بالایی از مکه خارج شد. بنابراین مشرکین احساس کردند ادامه این سیاست، مکه را هم دچار فقر می‌کند و تجار مکه هم از بین می‌روند. یعنی همانطور که مسلمین در شعب زیان می‌دیدند، تجار مکه هم زیان شدیدی را تحمل می‌کردند، منتها آنهایی که داخل شعب بودند، می‌گفتند ما خدا را داریم، اما آنهایی که بیرون بودند، هیچ اعتمادی به خدا نداشتند. لذا شعب و بیرون شعب مانند دو کشتی‌گیر در حال مسابقه، نفس هایشان رو به اتمام بود و کسی برنده بود که یک قدم بیشتر مقاومت می‌کرد. بنابراین وقتی موریانه آن کاغذ را خورد، یکباره راهی برای مشرکین هم پیدا شد که خودشان را نجات دهند.

اما در شرایط جنگ بدر مسلمانان در موقعیت قدرت قرار داشتند و وقوع غزوه بدر به این سبب بود که اموال و دارایی‌های مسلمانان پس از هجرت به مدینه، توسط مشرکان قریش مصادره شد، از این رو پیامبر(ص) با توجه به اینکه با تأسیس حکومت اسلامی در موقعیت اقتدار قرار گرفته بود، در مقام مقابله برآمد و برای تصرف کاروان اقتصادی مکه که از نزدیکی چاه‌های بدر در حال عبور بود، اقدام کرد. در این حال، مشرکان قریش به سرکردگی ابوسفیان که حیثیت خود را در خطر می‌دیدند، به مصاف اسلام آمدند که البته با شکست تحقیرآمیز و مفتضحانه روبرو شدند. در غزوه خیبر، آن جبهه یهودی که طراح اصلی و مغز متفکر مشرکین بود، خود را علنی کرد و همه داروندارش را در

منطقه خیبر جمع کرد تا با پیامبر اکرم(ص) مقابله کند. در این هنگام مؤمنین که تا پیش از این نفسشان به شماره افتاده بود و به هیچ عنوان در مدینه و حومه با یهودیان درگیر نمی‌شدند، در موقعیتی قرار گرفتند که توانستند استحکامات یهودیان را دویست کیلومتر دورتر از مدینه محاصره کنند و این یعنی تفاوت موقعیت؛ یک روزی درون شهرشان محاصره می‌شدند، اما حالا دشمن را در منطقه خودش محاصره کرده بودند. وقتی دشمنان در خیبر شکست خوردند، دو ضربه اساسی به آنها وارد آمد؛ اول اینکه متفکرهایشان مثل «علی بن أخطب» ضربه خوردند. دوم اینکه ثروت عظیمی در اختیار پیامبر(ص) قرار گرفت. به گونه‌ای که پس از آن، اوضاع مادی مدینه کاملاً تغییر کرد. اصحاب صفا دارای خانه و امکانات شدند، سپاه پیامبر(ص) دارای زره و اسب و امکانات شدند و مدینه از آن فقر پیشین درآمد. بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت، که در شرایط امروز ایران با شرایطی که در آن به واسطه تحریم‌ها توان مقاومتی کشور تا حد ناپودی کاهش یابد به طوری که در سال‌های شعب ابی طالب برای مسلمانان پیش آمده بود، نیست، بلکه قدرت امروز جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در معادلات اقتصادی جهانی به گونه‌ای است که هرگونه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد جهانی را با مشکل جدی مواجه کرده و ایران نیز می‌تواند از قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای خود به منظور مقابله به مثل به خوبی بهره‌مند گردد.

۲. تفسیر معنای کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم، البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است در تحریم هستیم. همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌توانند بکنند. ولی این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

۳. حرکت بر اساس برنامه، کوتاه تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات.

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح هایی که سالهای متمادی طول می کشد، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد. حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می شود و به مقاومت ملت ضربه می زند. این راه، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند نگذارند سیاست های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تغییرهای بی مورد شود.

۴. اجرای طرح هایی در جهت کاهش اسراف و وابستگی به خارج مانند هدفمند کردن یارانه ها

به نظر ما طرح های «اقتصاد مقاومتی» جواب می دهد. همین مسئله سهمیه بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه بندی نمی شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می رفت. توانستند این را کنترل کنند، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد و بقیه چیزهایی که مورد نیاز کشور است. هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها می تواند هم رونق ایجاد کند در تولید، در اشتغال و هم موجب رفته شود؛ اینها مایه رشد تولید و اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین المللی پیدا می کند. این کار باید به انجام برسد.

۵. تأکید بیشتر بر مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر
مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعا جهاد

است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل ... را دارد.

۶. استفاده بیشتر از تولید داخلی و کاهش وابستگی به نفت
یک بعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه های دولتی توجه داشته باشند دستگاه های حاکمیتی، مربوط به قوای سه گانه سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک های معروف خارجی که بعضی فقط برای نام و نشان، برای خودنمایی کردن، در زمینه های مختلف دنبال مارک های خارجی می روند ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می تواند این خلا را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت های گوناگونی در کشور وجود دارد که می تواند این خلا را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم سمت اینکه هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

۷. مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی

مسئله اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است، البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاستهای اصل چهل و چهارم قانون اساسی که اعلام شد، می تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد، البته کارهایی انجام گرفته و تلاش های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت های اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه های دولتی کشور و دستگاه هایی

که می‌توانند کمک کنند مثل قوه مقننه و قوه قضائیه کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

۸. شرکت‌های دانش بنیان

ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و ایفا کنیم. یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماس است؛ همین شرکت‌های دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

۹. ارتباط با دنیای خارج و رشد شکوفایی در زمان تحریم

در زمینه مسائل اقتصادی، «اقتصاد تهاجمی» را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعا یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی وجود دارد، چه اشکالی دارد. آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده، البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است.

۱۰. اقتصاد مقاومتی شعار یا واقعیت

قبل از پرداختن به واقعیت اقتصاد مقاومتی و وجه تمایز آن با یک شعار در کلام مقام معظم رهبری لازم است تفاوت شعار با واقعیت گفته شود. اصطلاح واقعیت معمولاً به اشیاء بالفعل، ذات اشیاء و نفس الامر اطلاق می‌شود. برای مثال گفته می‌شود: تفاوت موجودات در عالم یک واقعیت است. یعنی چنین تفاوتی بالفعل وجود دارد. یا گفته می‌شود: این سخن واقعیت دارد. یعنی در نفس الامر موجود است. یعنی مصداق واقعی

دارد. واقعیت اعم از حقیقت است. یعنی هر چه وقوع خارجی دارد واقعیت است و بخشی از امور واقع حق و باطل‌های اخلاقی هستند. مثلاً راستگویی هم واقع است هم حق اما دروغ در عین اینکه واقعیت دارد حق نیست. بعثت انبیا هم حق است و هم واقعیت؛ یعنی باید باشد و در واقع هم رخ داده است؛ اما حکومت‌های فاسد در طول تاریخ واقعیت داشته‌اند، اما از حقیقت به معنی یاد شده به دورند. در صورتیکه شعار خلاصه و فشرده‌ی خواسته‌ها و آرمان‌های یک گروه یا یک ملت است که به زبان آورده می‌شود. و این خواسته در عین حال که ممکن است حق و یا باطل باشد احتمال واقعیت به معنای دست یافتن و غیر آن نیز وجود دارد.

حضرت آقا در خصوص اقتصاد مقاومتی آن را یک واقعیت می‌داند و می‌فرماید: اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست بلکه یک واقعیتی است که می‌بایست محقق شود (در جمع پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان). و در جایی دیگر برخی از واقعیت‌های نظام را بر می‌شمارند. «امروز چند واقعیت در دنیا وجود دارد که قابل انکار نیست واقعیت اول بیداری دنیای اسلام است در این کسی نمی‌تواند تردید کند (در جمع کارگزاران نظام)». و در خصوص امپراطوری رسانه ای نیز می‌فرماید: «امروز همه‌ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال می‌کنند شما نگاه کنید ببینید کاری که دولت‌های غربی علیه مسلمانان و علیه اسلام می‌کنند چه در امریکا و چه در اروپا چقدر پیچیده و گسترده است تمام ابزارهای هنری در اختیار آن‌ها در خدمت این هدف پلید است دشمنی را در اعلی درجه‌ی ممکن با آمیخته‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و امنیتی و سیاسی و نظامی علیه اسلام به کار بردند این هم یک واقعیت روشن و مسلم است (در جمع کارگزاران نظام)» و در کلامی دیگر عجز نظام سلطه در کنترل بیداری اسلامی را نیز یک واقعیت می‌داند «واقعیت دیگر این است که دنیای غرب با همه‌ی توان خود نتوانسته است بر بیداری اسلامی فاتح بیاید (در جمع کارگزاران نظام)» و بلاخره در بین روسای جمهور شرکت کننده در جشن‌های نوروز می‌فرماید: «واقعیت این است که منافع ملت‌های ما نه فقط در تقابل با یکدیگر نیست بلکه کمک‌کننده و هم‌افزایی‌بخش یکدیگر است ما میتوانیم در کنار هم باشیم

به هم کمک کنیم و یک مجموعه‌ی با ارزش والای جهانی و فرهنگی و دارای قدرت بین‌المللی تشکیل بدهیم». اینها نمونه‌هایی از واقعیت‌های جهانی است و نگاه به اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری خارج از این منظر نیست. نگاهی است واقع‌گرا که قابلیت اجرایی داشته و واقعیت این است که با پیروی از الگوهای متداول اقتصادی دنیا نمی‌توانیم به اقتصادی صیانت‌زا، عدالت‌آفرین و مقتدر برسیم. بلکه باید نقاط قوت و ضعف اقتصاد را به خوبی شناسایی کنیم فرصت‌ها و تهدیدهایی که وجود دارد را بشناسیم و از تجربیاتی که در دنیا موجود است نیز بهره‌برداری کنیم. همچنین علم اقتصاد را به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دهیم.

نتیجه‌گیری

بدیهی است که تعریف یک راهبرد اقتصادی به نام «اقتصاد مقاومتی» به نسبت تعامل نظام اسلامی با «نظام اقتصادی جهانی» از سویی و تقابل و رویارویی یا به عبارت بهتر مقاومت در برابر خواسته‌های استکبار جهانی و عدم پذیرش سلطه آنان، مرتبط است. اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آن‌ها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود.

وقتی نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی در جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی است و امنیت نظام اسلامی در چارچوب مقاومت در برابر نظام سلطه تعریف می‌شود باید دیگر زیرمجموعه‌های نظام مانند: ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نظام اسلامی ضرورتاً با همین مفروضه و شرایط مقاومت در برابر استکبار جهانی شکل گیرد و عمل کند. مقام معظم رهبری در

سال‌های اخیر در سخنان خود بارها بر مساله «اقتصاد» و «جنگ اقتصادی» که دشمنان در راستای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند، تاکید کرده و راهکارهای مقابله با آن را نیز بارها گوشزد کرده‌اند و حتی در نامگذاری‌های‌شان برای سال‌ها نیز این موضوع را مدنظر قرار داده‌اند.

مقام معظم رهبری با آگاهی کامل از جنگ اقتصادی دشمن و اهداف آن‌ها از تشدید فشارها و تحریم‌ها علیه ایران همواره تلاش کردند، به ارائه برنامه‌ها و الگوهای مناسب جهت مقابله با این فشارها بپردازند. با توجه به تشدید فشارها و تحریم‌های دشمنان در ماه‌های اخیر آنچه بیش از پیش در سخنان اخیر مقام معظم رهبری به خصوص در ماه مبارک رمضان بر آن تاکید شده، بحث «اقتصاد مقاومتی» است، ایشان معتقدند که یکی از راه‌های عبور از مقطع حساس و سرنوشت‌ساز کنونی جدی‌گرفتن اقتصاد مقاومتی است که در این مقاله سعی شد به طور نسبتاً کامل به نظرات ایشان پرداخته شود اگر چه بررسی نظرات ایشان در ارتباط با موضوع مطروحه در این چند برگ نمی‌گنجد و به بررسی بیشتری از سوی کارشناسان امور اقتصادی نیاز دارد با این وجود امید است مطالعه آن مفید واقع گردیده باشد.

ارائه راهکار

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری که در این مقاله بررسی گردید می‌توان راهکارهای ذیل جهت رسیدن به اهداف «اقتصاد مقاومتی» را مورد بررسی قرار داد:

۱- نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

۲- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه

تولیدات استراتژیک مدیریت و تنظیم واردات برای به حداقل رساندن نیاز کشور به ارز و حمایت از تولیدات داخل هدایت سیل نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد و حذف ریشه‌های سوداگری در اقتصاد نظارت بر نحوه توزیع کالاها به ویژه کالاهای اساسی و ضروری اتخاذ راهبرد انقباض بودجه و مدیریت هزینه در کشور با اولویت‌گذاری‌ها، کاهش مصرف‌گرایی و به تعویق انداختن پروژه‌های ناتمام با اولویت‌های پایین داشتن بینش و نگرش مثبت به کسب و کار، ترجیحاً کسب و کارهای مولد نوآورانه جهت بهبود فضای کسب و کار و ایجاد محیط رقابتی با جلب مشارکت‌های مردمی و انحصار زدایی.

۳- افزایش واردات «دانش فنی»، «خطوط تولید» و «ماشین‌آلات» در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات همزمان با «تولید علم» و تولید «دانش فنی» و حمایت از «شرکت‌های دانش‌بنیان».

۴- تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند: گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک «اقتصاد ترکیبی مقاومتی» در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازی با دیگر کشورها و کانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد.

۵- تبدیل «تهدیدها» به «فرصت‌ها» در روند تأمین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد «خودکفایی» کامل یا حداقل «خود اتکایی» در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگنمایی شود. ضمن آن‌که تحریم «کاغذ پاره» نیست و نباید از آن استقبال کرد.

۶- کاهش اتکا به نفت از طریق «کاهش واردات» و «افزایش صادرات غیرنفتی» یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی.

۷- تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل. باید این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌ها شکل گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور ساماندهی شود.

۸- مراقبت از توانمندی حمل و نقل کشور و جلوگیری از ایجاد انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل و نقل بویژه حمل و نقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه.

باید بدانیم تحریم‌های کنونی ذیل مواد پانزده‌گانه ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد انجام می‌شود. لذا در اقتصاد مقاومتی باید ضمن راهبردنویسی، اقدامات احتمالی آینده در عملی کردن بندهای دیگر ماده پیش‌بینی شود و راهبردها بر اساس بدترین شرایط تحریمی احتمالی چیده شود.

۹- شکل‌گیری روحیه «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی» و «حمایت ایرانی». ضمن آن‌که برای تقویت اقتصادی ملی «دیپلماسی اقتصاد مقاومتی» نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تعیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های (هسته‌ای) استقلال در سیاست خارجی و ...

(منابع ر دفتر مجله موجود می‌باشد)